

انجمن‌های علمی و نظام تصمیم‌گیری‌های علمی کشور

دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۰

پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۱

حشمت خلیفه سلطانی*

ابوالحسن فقیهی**

رضا واعظی***

چکیده

در حوزه‌ی علوم انسانی و عرصه‌ی سیاست‌گذاری‌های دولتی، شبکه‌های تصمیم‌گیری مفهوم جدیدی است که در چارچوب پارادایم مدیریت دولتی نوین و رویکردهای حکمرانی مورد بحث بوده و به رابطه‌ی بین جامعه‌ی مدنی و نهادهای شکل‌گرفته در آن با دولت اشاره دارد. از آن‌جا که انجمن‌های علمی، به عنوان یکی از ذی‌نفعان شبکه‌های سیاست‌گذاری، نقش چشمگیری در فرایند خطامشی علمی کشورهای مختلف ایفا می‌کنند. هدف از این پژوهش مطالعه‌ی نقش این نهاد علمی در بهبود کیفیت خطامشی علمی جامعه‌ی ایران می‌باشد. به این منظور پرسشنامه‌ای میان ۱۵۰ عضو هیئت مدیره‌ی انجمن‌های علمی توزیع گردید و سپس مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای با ۱۵ نماینده‌ی مجلس، ۱۵ عضو مشاور در مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۵ وزیر کابینه‌ی نهم و دهم انجام شد. در ادامه با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی به شناسایی عوامل اثرگذار پرداخته و جهت قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. پاسخ‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل تم مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت انجمن‌های علمی عمیقاً بر میزان آگاهی و تغییر در نوع مطالبات شهروندان تأثیر دارد و همکاری این نهادها با سیاستگذاران دولت، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های علمی و گسترش فرهنگ پژوهش در جامعه را به همراه دارد.

مفاهیم کلیدی: انجمن علمی، شبکه‌ی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری علمی

* مدرس گروه مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی

** استاد گروه مدیریت دولتی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

*** استادیار گروه مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

یکی از ویژگی‌های اداره امور دولتی در کشورهای در حال توسعه آن است که بوروکراسی مهمترین نهاددولتی خط مشی گذاری عمومی تلقی می‌شود. به تعبیری دیگر تصمیم‌گیری‌های کلان دولت اغلب مختص سیاستگذاران دولتی است، از اینرو لزوماً خط مشی عمومی در جهت تامین منافع بخش‌های اقتصادی و اجتماعی و ذینفعان مختلف جامعه وضع نمی‌شود. لذا فرایندهای تصمیم‌گیری که در جوامع توسعه یافته با حضور و مشارکت سازمان‌های موجود در جامعه مدنی و بخش خصوصی شکل می‌گیرد، در کشورهای در حال توسعه کمتر از حمایت مردم برخوردار است. طبیعی است برای اتخاذ تصمیمات صحیح و تاثیر گذار که لازمه اداره یک جامعه مدنی قدرتمند است، نظارت کارآمد بر اعمال دولت ضروری به نظر می‌رسد. این نظارت از راه همکاری و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بازیگران سوم، با دولت می‌تواند "اعتماد در مقابل کنترل" و "همکاری به جای تمرکز قدرت" را به فرهنگی نهادینه تبدیل نماید (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۰).

از منظر بانک جهانی، دولتی کارآمد و مردم‌سالار محسوب می‌شود که بدنبال عینیت بخشیدن به خواسته‌ها و انتظارات عموم مردم و احترام به افکار عمومی بوده و در پی تدوین و تنظیم قوانین مورد نیاز جامعه، و بسط و توسعه تشکلهای مردمی باشد. دولت کارآمد دولتی است که سازمانهای مردم‌نهاد را اهرم مناسبی جهت توسعه کمی و کیفی جامعه دانسته و با جلب مشارکت این سازمانها جامعه را بسوی دموکراسی و توسعه سوق دهد. از آنجا که مردم‌سالاری در یک جامعه نیازمند تدوین قوانینی مترقی؛ و داشتن ابزاری مناسب جهت اجرای آن است، حضور تشکلهای مردمی و بهره‌مند شدن از همکاری آنان در این رهگذر می‌تواند بر فرایند برنامه‌ریزی و اجرای خط مشی اثر بگذارد. به عبارتی سازمانهای مردم‌نهاد، با پذیرفتن قسمتی از مسئولیتهای اجتماعی در یک جامعه مدنی می‌توانند بر برنامه‌ریزی‌های راهبردی اثر گذاشته و نقشی مهم در توسعه ملی داشته باشند. با توجه به این که اغلب این سازمانها، وظیفه آگاهی‌رسانی عمومی رانیز به عهده دارند، ضمن تأثیرگذاری بر خط مشی عمومی حضور داوطلبانه این سازمانها می‌تواند تدوین و اجرای قوانین مترقی و توسعه ملی در یک جامعه مدنی را تضمین نماید (Dris-Ait-Hamadouche, 2007). با توجه به این که سازمانهای مردم‌نهاد به شکلها و نامهای مختلف در جامعه و کنار بخش دولتی فعالیت کرده و بعنوان یک رابط میان دولت و مردم ایفای نقش می‌کنند، شاخص‌ترین اهرم‌های توسعه در هر جامعه بحساب آمده و نقش آنها گاهی به اندازه‌ای پررنگ است که برخی از صاحب‌نظران ایجاد

آنها را پیش زمینه جامعه مدنی می‌دانند. در واقع آنها کانال ارتباطی بین مردم و دولت و بعنوان جزئی از یک جامعه مدنی هستند که نقش بسیار عمده‌ای در رشد و بلوغ اجتماعی داشته و پیش درآمد توسعه ملی می‌باشند (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰). پژوهش حاضر در پی آن است که نقش انجمن‌های علمی ایران را به عنوان بخشی از جامعه مدنی در فرایند خط مشی‌های علمی دولت مطالعه و تاثیر ارتباط آنها را در فرایند مشارکت، آنگونه که در کشورهای توسعه یافته مشاهده می‌شود، تعیین نماید.

ادبیات نظری تحقیق

در نیمه دوم قرن بیستم، مدیریت مشارکتی، به ویژه مدیریت به شیوه ژاپنی یکی از اثربخش‌ترین شیوه‌های مدیریت در کشورهای توسعه یافته و بعضاً در حال توسعه (هند-مالزی-برزیل-اسرائیل) محسوب می‌شد اما در دهه اول قرن بیست و یکم شرایط و محیط حاکم بر فعالیت دولتها شرایطی را فراهم آورد تا تداوم عملکرد آنها تابع روابط آنان با سازمانهای جامعه مدنی گردد. مطالعات صورت گرفته از شرکتهای و گزارش عملکرد جوامعی مثل آمریکا، که بیشترین رشد اقتصادی را داشته‌اند و همچنین نتایج مطالعاتی که از کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی بدست آمده بیانگر آن است که روابط و نقش سه بازیگر اصلی، دولت، بخش خصوصی، و نهادهای مردمی در سیاستگذاری‌های عمومی غیر قابل انکار بوده و خطمشی‌گذاران ناگزیر به پذیرش همکاری با آنان می‌باشند. طی چند دهه گذشته توجه به سازمانها و تشکلهای غیردولتی به عنوان یکی از راهکارها و ابزار تحقق توسعه در جامعه جهانی مطرح شده است. در این خصوص بسیاری از متخصصان و برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی اهمیت و جایگاه این سازمانها در توسعه جوامع را درک نموده و این بخش از جامعه را نیز فارغ از مسائل دیوانسالارانه و اداری، در تحقق توسعه و پیشرفت بسیار مهم دانسته‌اند. عده‌ای از محققان بر این باور هستند که همزمان با رشد و پیشرفت سازمانهای غیردولتی، با توجه به زمینه ماهیت و چگونگی فعالیتها و میزان توانائیهای آنها در ایفای نقش خود، طرحها و استراتژی‌های توسعه یافتگی جامعه به این سازمانها واگذار شده و این طرحها دور نما و چشم انداز جامعه را برای رسیدن به توسعه روشن ساخته است. لذا اهمیت این سازمانها دو چندان گردید (مقیم، ۱۳۸۴). طبیعی است، زمانی که جوامع به جایگاه تشکلهای و سازمانهای غیردولتی پی بردند، نقش آنها در تمام جوامع

اعم از توسعه یافته و در حال توسعه پررنگ تر شد زیرا مهمترین ویژگی و وظیفه این سازمان‌ها مشارکت در سیاستگذاری و گسترش فرهنگ توسعه در جامعه بود (Klein, 2006).

از نظر متفکرین و صاحب‌نظران مدیریت دولتی نوین، انجمن، یک گردهمایی، یک تجمع و یا یک تشکل خود به خودی، زودگذر و مبتنی بر تجانس عاطفی نیست، بلکه مجموعه‌ای از افراد و گروه‌هایی است که با یکدیگر کُنش متقابل داشته و به صورت ساختار یافته و منظم و مستمر، اهداف معینی را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر، انجمن تشکلی است که با نقشه قبلی پدید می‌آید، غیر رسمی و داوطلبانه هستند و از دوام و انتظام زیادی برخوردارند (آگبرن و نیمکف، ۱۳۵۲) و از آن جا که بسیاری از پروژه‌های محلی، ملی و منطقه ای به دلیل نیاز شدید به سرمایه و نیروی کار، یا اساساً به مرحله اجرا در نیامده و یا نیمه تمام رها می‌شوند و هزینه‌های بسیاری بر مردم تحمیل می‌گردد. سازمانهای غیردولتی از یک طرف به عنوان یک تسهیل کننده عمل کرده و با جلب مشارکت مردمی و جذب سرمایه‌های کوچک و هدایت آنها، علاوه بر ایجاد تفاهم اجتماعی، اجرای پروژه‌های محلی و ملی و امثال آن را نیز تسریع می‌کنند. از سوی دیگر، این سازمانها با اعمال نظارت و ارزیابی فرایند انجام فعالیتها، مردم را از پیشرفت کار، مسائل و مشکلات آن آگاه می‌نمایند. همه این موارد از مزایای حضور و فعالیت سازمانهای غیردولتی در سطح جهان است (Edwards, 2004).

واژه جامعه مدنی در دهه گذشته تاریخ حکمرانی ایران نیز، یکی از پرشورترین و جذابترین مباحث را با خود به جامعه و شهروندان و جامعه جهانی ارائه کرده است، وعده اجرای قوانین، مشروعیت جامعه مدنی و مدیریت شبکه‌ای از مباحثی است که جایگاه ویژه‌ای در میان سازمانهای دولتی و غیر دولتی ایران پیدا کرده است، ایجاد و توسعه فرهنگ سیاستگذاری مردمی و مشارکتی در جامعه (Kaviraj, 2001) و تفاوت آن با سیاستگذاری‌های غیر شبکه‌ای، براهمیت حضور سازمان‌های مردمی و انجمن‌های علمی در کنار سیاستگذاران افزوده است. طبیعی است به جهت نقش و اهمیت سازمان‌های مردمی و انجمن‌های علمی در سطح ملی و جهانی مطالعات فراوان در این رابطه صورت گیرد. از جمله مطالعاتی که در زمینه نقش گروه‌های مردمی به عنوان جزئی از شبکه تصمیم‌گیریها صورت گرفته، مطالعات براون در دهه ۸۰ است که فشار بازیگران سوم را در زمینه سیاستگذاری کشاورزی، را مورد بررسی قرار داده، و اشتاین و بیکر نیز با بررسی و تحلیل‌های کمی، تعاملات درون شبکه‌های سیاستگذاری و مدل پاسخگویی و میزان آنها را در دهه ۸۰ به چالش کشیدند (Acevedo & Common, 2004). کلارک نیز در سال ۱۹۹۱ از سازمانهای غیر دولتی به عنوان پل ارتباطی دولت با

مردم و همکاری انجمن‌های علمی را عامل کاهش دهنده هزینه‌های دولت در سطح ملی نام می‌برد. وی گسترش شبکه‌های تصمیم‌گیری در جوامع پیشرفته، نوع نگرش جامعه علمی، تغییر در مطالبات آنان، تعامل سیاستگذاران با انجمن‌های علمی و تغییر در کیفیت سیاستگذاری‌های علمی را مورد مطالعه قرار داده و، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های علمی را از طریق مشارکت جامعه علمی با سیاستگذاران بیانگر توسعه می‌داند.

در ایالات متحده، اغلب انجمن‌های علمی، توسعه یک نظام علمی ویژه را دنبال می‌کنند. انجمن شیمی آمریکا، با ۱۶۵۰۰۰ عضو و درآمد خالص سالیانه ۵۰۰ میلیون دلار حدود ۱۲۵ سال قبل ایجاد گردید این انجمن در سال ۱۹۰۷ یک پایگاه داده دانش شیمی را بنیاد نهاد که در حال حاضر اطلاعات علم شیمی را با حدود یک میلیون برنامه جمع‌آوری، آن‌ها را از طریق پایگاه داده‌های خود همراه با ۵۰ مجله ماهانه و تعداد زیادی همایش‌های ملی و بین‌المللی به منظور توسعه علم شیمی عرضه می‌نماید (Jordan & van Tuijl, 2000). از دیگر تحقیقات صورت گرفته، مطالعات هلکر و ویلدافسکی از شبکه‌های حاکم بر خزانه‌داری حکومت انگلیس است که نقش گروه‌های علمی بر فرهنگ حکومتی انگلیس را به خوبی نشان می‌دهد (Marsh & Smith, 2000) و از مهمترین آثاری است که توانست بر روی سه برنامه تحقیقاتی شورای اقتصاد بریتانیا (روابط دورن حکومتی و پاسخگویی به مردم- طرح روابط دولت و صنعت- و برنامه‌های دولت در برنامه‌های محلی) تاثیر انکار ناپذیر بگذارد. در نیمه قرن حاضر نیز مرتون اعلام کرد، علم می‌تواند مستقل از جامعه دانشگاهی باشد و اهداف و ارزش‌های خاصی را دنبال نماید که بر جامعه اثر بگذارد، وی فرآیند تاثیر علم موجود در نهادهای اجتماعی را بر توسعه اداره امور و سیاستگذاری‌های علمی به دو عامل وابسته دانست. اول، دانشمندی که به عنوان افرادی که پیشرفت‌های مهمی را ایجاد کرده اند، شناسایی شده و این انگیزه را خواهند داشت که از طریق انتشار نظرات خود این شناسایی را حفظ، آن را افزایش داده و انتظار همکاران از آنها این تاثیر را بر آنها می‌گذارد که کارهای خود را تکرار و یا از آن پیشی گیرند. دوم، دسترسی بیشتر به منابعی که امر تحقیق را ساده می‌کنند: پول، زمان، دستیاران شایسته، همکاران تشویق کننده و دسترسی ساده به اطلاعات مفید و غیره. این منابع علاوه بر ارزش ابزاری‌شان، به عنوان شاخص ضمنی احترام به دانشمند نقش عمده ای نیز دارند. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که تولید علم از طریق نهادهای مردمی قویاً، با شناسایی نظریات جدید (Kuppusamy, 2007) همبسته است. چنین منابعی را می‌توان در گروه‌های علمی جامعه شناسایی کرد (McGregor, 2004). گارفیلد نیز ارتباط و کُنش

متقابل علمی را مورد تاکید قرار می‌دهد و می‌گوید آنها جوهر ارتقا و پیشرفت علم هستند. گردهمایی‌های علمی را دانشکده‌های نامرئی نامید و اظهار داشت "گردهمایی‌های علمی‌آزار مهم ارتباط و همکاری بین اعضاء دانشکده‌های نامرئی هستند، پژوهندگان علم در این گردهمایی‌ها شرکت می‌کنند و با همکاران خود به تبادل نظر می‌پردازد (Dris-Ait-Hamadouche, 2007). به عبارتی یکی از وظایف انجمن‌های علمی در همه کشورهای جهان برقراری ارتباط و همکاری بین متخصصان علمی و شیوه‌های مختلف است که معمولاً از طریق برگزاری انواع گردهمایی‌های علمی انجام می‌شود (Carpenter et al., 2003). فرضیه‌ی ۱. انجمن‌های علمی با برگزاری گردهمایی‌های علمی به تولیدات علمی کمک می‌کنند.

در مطالعات دیگری، بن دیوید، در اواخر قرن بیستم اظهار داشت، علم تنها در جوامعی پیشرفت می‌کند که در آن نقش دانشمندان نهادی شده و به عنوان یک کار مشروع توسط جامعه کلان پذیرفته شده است. از نظر وی، در چارچوب انجمن‌های حرفه‌ای کسانی که به علوم محض می‌پردازند و کسانی که در زمینه علم کاربردی کار می‌کنند می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند (David, 1984). وی به نهادینه شدن علم و رابطه آن با ارتقاء آگاهی شهروندان تاکید، و اظهار داشت، آنچه در امر نهادی شدن علم حائز اهمیت است، نگرش، آگاهی و رفتار مردم نسبت به علم و فعالیت‌های علمی دانشمندان است. مردان و زنانی که برای حل مسائل فردی و اجتماعی خود به مرجعیت علمی مراجعه می‌کنند جنبش علمی جامعه را تشکیل می‌دهند. هر چه این جنبش از انحصار اجتماعات علمی خارج شود، بیشتر به میان اقشار مختلف مردم راه پیدا می‌کند.

فرضیه‌ی ۲. تولیدات انجمن‌های علمی به ارتقاء دانش جامعه علمی کمک می‌کند. جایگاه علم در جامعه، یعنی انتظارات جامعه از علم، شیوه‌هایی که پژوهشگران به آن انتظارات پاسخ می‌دهند، و اینکه چگونه کار پژوهشگران بر کارکرد جامعه تاثیر می‌گذارد، از عمده تحقیقاتی است که در سال‌های اخیر در جهان صورت گرفته است، از جمله شیلز، نهادی شدن فعالیت فکری را محصول تراکم نسبی کُنش متقابل افرادی می‌داند که در آن فعالیت مشارکت دارند. لذا هر چه ارتباطات علمی توسط عاملان نقش‌های علمی افزایش یابد میزان نهادی شدن تعاملات فکری افزایش یافته، و هنگامی که فعالیت فکری و تعاملات

علمی به مراحل تکامل یافته‌تر نهادینه شدن می‌رسد و سایر نهادها، آن فعالیت فکری را می‌پذیرند انتظارات و مطالبات جامعه تغییر پیدا می‌کند.

فرضیه‌ی ۳. ارتقاء دانش در جامعه، انتظارات و مطالبات آنان را از دولت تغییر می‌دهد.

دانشمندان دیگری نیز نظیر هابرماس در مورد قلمرو عمومی و نقش علم در توسعه معرفت عمومی و تناقض این نقش با هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و دینی در قیل از انقلاب صنعتی اروپا را مورد بحث قرار می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند: برای اینکه علم بتواند پیشرفت کند می‌بایست در یک میدان خنثی که مورد خصومت نهادهای سیاسی و اجتماعی قرار نگیرد واقع شود. مفهوم انجمن‌های علمی نوعی استقلال نسبی به علم بخشید که موجب انقلاب علمی در اروپا شد. در سه دهه اخیر، تعداد، تراکم و پیچیدگی روابط میان سازمانهای مردم نهاد در هند و همکاری آنها با سیاستگذاران دولتی برای رفع مشکلات، بخصوص در مناطق روستایی به طور فزاینده‌ای توسعه یافته است و این همکاری در ارتباط با توسعه اجتماعی، حقوق زنان، حفظ محیط زیست و برقراری صلح بیشتر دیده می‌شود (Poulmenakou, 2004). سازمانهای غیردولتی در چین نیز در سالهای اخیر به حفظ محیط زیست توجه کرده و با نام سازمانهای حمایت کننده از مردم در کنار دولت قرار گرفته اند. اگرچه دولت چین از چنین فعالیتی چندان رضایت ندارد. در آوریل ۲۰۰۵ رهبران این سازمانها توسط نمایندگان انجمن علمی "کمیته‌های بهداشت و تامین رفاه اجتماعی" توانستند سیاستگذاری دولت را در رابطه با حفظ محیط زیست تغییر داده و غیرمستقیم در ایجاد حقوق شهروندی دخالت کنند (Powell, 2003).

فرضیه‌ی ۴. تولید اندیشه‌های علمی به زمینه تعامل جامعه علمی با سیاستگذاران کمک می‌کند. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته اروپایی شبکه‌های خط مشی به عنوان شکل جدیدی از حکومتداری محسوب شده و به صورت موفقیت‌آمیزی جایگزین شیوه‌های سنتی گردیده. سیاستگذاران آلمان از متخصصین انجمنهای علمی جهت تصمیم‌گیریها مربوط به امور کشاورزی، حمل و نقل، و آموزش بهره برده و در صدد هستند که از الگوهای مدیریت دولتی نوین در جامعه خود استفاده کنند (Kickert & Koppenjan, 1997). آنها معتقدند دولتها با درگیر شدن در شبکه‌ها میتوانند به هدف جذب دانش تخصصی برسند. در واقع با دادن نقش‌هایی حتی به گروههای متخاصم و مخالف، آنها را به تبعیت از هنجارهای رفتاری در فرایند سیاستگذاری وادار و به طور موثری در راستای اهداف و مشارکت سیاستگذاری قرار دهند (Wagenaar, 2003). در ایران نیز در چند ساله اخیر، در بسیاری از سیاستگذاریها

دولت، گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم، از نظرات اعضای هیات علمی انجمن‌ها، جهت آگاهی از دستاوردهای علمی جهانی استفاده نموده و در کیفیت خطمشی گذاری تغییر و بعضاً بهبود ایجاد کرده است، به عنوان نمونه، نقش انجمن علمی فیزیک ایران در انتقال اطلاعات و ارائه مشاوره و مشارکت در تصمیم‌گیریهایی سازمان انرژی هسته‌ای بسیار برجسته و چشمگیر است.

فرضیه‌ی ۵. تعامل جامعه علمی با سیاستگذاران، زمینه مشارکت آنان را در سیاستگذاری فراهم می‌کند.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته، طبیعی است ایده حضور نهادهای غیردولتی و بازیگران سوم در جامعه مدنی در کنار سیاستگذاران منجر به گسترش تفکرات سیستمی و به کارگیری دیدگاه‌های مشارکتی در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیریهایی عمومی گردد. در حقیقت بسیاری از کشورهای توسعه یافته صنعتی، و تا حدودی برخی از کشورهای در حال توسعه، از خدمات نهادهای غیر دولتی، با قالب‌های ساختاری و روش‌های عملیاتی متفاوت، بهره گرفته، و باکسب اطلاعات و روش‌های نوین مدیریت دولتی، به توسعه جامعه مدنی کمک نموده و به فرهنگ ارائه حقوق شهروندی به شیوه دموکراتیک دست یافته اند (منصوران، ۱۳۸۵).

فرضیه‌ی ۶. مشارکت جامعه علمی با سیاستگذاران، به بهبود کیفیت نظام سیاستگذاری علمی منتج می‌شود.

از آن جا که از دیدگاه بسیاری از دانشمندان ارتباط و کنش متقابل علمی و پژوهش‌ها، در یک جامعه عامل اساسی ارتقا و پیشرفت علم می‌باشند، و مراودات صاحب نظران، چالش‌ها، تعاملات، وگردهمایی‌های علمی، ابزار مهم توسعه در یک جامعه و رابط اعضای و نهادهای علمی در یک جامعه بوده، و وظیفه انجمن‌های علمی در همه کشورهای جهان برقراری اینگونه ارتباط بین متخصصان است، بنابراین می‌توان ادعا نمود که نهادهای غیردولتی به عنوان ذینفعان و بازیگران سوم در سیاست گذاری عمومی، قادرند به صورت مستقیم در فرایند برنامه ریزی، اجرا، ارزیابی و بهبود کیفیت سیاستگذاری، و به صورت غیر مستقیم، از طریق ارائه نظرات و دادن مشاوره‌های علمی، و به تبع آن بسط فرهنگ هم اندیشی و گسترش تفکر و انجام پژوهش‌های علمی، آیفای نقش نمایند. در این راستا کشورهای بریتانیا، هند و ایالات متحده تمثیل‌های گویایی هستند که از ظرفیت بالقوه دانشگاهیان و دستاوردهای پژوهشی اعضای جوامع علمی غیر وابسته به دولت بهره گرفته

اند. این جوامع با، با حداقل هزینه توانسته اند کیفیت خدمات دولتی را افزایش دهند. بدیهی است که وجه مشترک تحولات اجتماعی بسیاری از دولت‌های دموکراتیک، و جوامع توسعه یافته استفاده از رویکرد سیستمی- مشارکتی است (Acevedo & Common, 2004).

فرضیه‌ی ۷. بهبود کیفیت خط مشی به توسعه پژوهش در جامعه منجر می‌گردد.

با توجه به فرضیات احراز شده، جهت تحلیل آن‌ها از شاخص انجمن‌های علمی، به عنوان متغیرهای مستقل که بر نوع و میزان مطالبات شهروندی اثر گذاشته و کیفیت سیاست‌گذاری و گسترش فرهنگ پژوهش را بع عنوان متغیر وابسته، استفاده، ومدلی ارائه نمود که نشان می‌دهد، بهبود کیفیت سیاست‌گذاری در هر جامعه مدنی با حضور نهادهای غیردولتی علمی درکنار سیاست‌گذاران دولتی تسریع گشته و از آن جا که توسعه فرهنگ پژوهش شاخصه‌های توسعه اقتصادی واجتماعی هر جامعه به حساب می‌آید، بنابراین نقش انجمن‌های علمی در توسعه هر جامعه انکار ناپذیر است. این فرایند در مدل مفهومی زیرارائه گردیده است.

روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف از این تحقیق، تعیین نقش انجمن‌های علمی بر تصمیم‌گیری‌های علمی دولت، می‌باشد، بنابراین تحقیق حاضر از جهت استفاده کاربردی و به لحاظ هدف تحقیقی توصیفی است و برای گردآوری اطلاعات، به صورت ترکیبی از یافته‌های پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. در این پژوهش، فرهنگ مشارکت، کار گروهی، تغییر در نگرش و اطلاعات جامعه علمی "، به عنوان متغیر میانجی، در نظر گرفته شده . جامعه آماری تحقیق، جامعه علمی و سیاست‌گذاران، و نمونه آماری تحقیق، اعضای هیئت مدیره ۵۰ انجمن علمی است که با ۱۵۰ عضو هیئت مدیره آن‌ها از طریق پرسشنامه، و ۱۵ نفر از وزرا که در ارتباط با تصمیم‌گیری‌های علمی دولت قرار داشتند و همچنین ۱۵ نفر از سیاست‌گذاران عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۵ نفر از پژوهشگران بخش امور پژوهشی مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهشی وزارت علوم و ۱۵ نفر وکلای مجلس شورای اسلامی (از هر کمیسیون تصمیم‌گیری مجلس، ۲ نفر) مصاحبه و کسب اطلاعات گردید. انتخاب افراد مذکور، با توجه به محدودیت دسترسی به آن‌ها، صورت گرفته است. نتایج حاصل از پرسشنامه، با استفاده از روش تحلیل عاملی، برای اندازه‌گیری قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضمن آن که در تحقیق حاضر

جهت بررسی و تحلیل روابط علی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده و، نتایج حاصله در جدول زیرارائه شده است .

جدول ۱ - ضریب همبستگی پیرسون بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای تحقیق

| همبستگی بین | اجزای علمی | ارتقا دانش و اطلاعات | مشارکت در نظام خط مشی | تغییر در انتظارات | بهبود کیفیت خط مشی گذاری | بهبود کیفیت پژوهش های علمی |
|----------------------------|--------------|----------------------|-----------------------|-------------------|--------------------------|----------------------------|
| همبستگی بین اجزای علمی | ۰/۳۰۵ معنادر | وجود ندارد | وجود ندارد | ۰/۱۴۷ غیرمعنادر | وجود ندارد | وجود ندارد |
| ارتقا دانش و اطلاعات | ۰/۳۹۴ معنادر | ۰/۵۱۴ معنادر | ۰/۳۷۸ معنادر | ۰/۳۷۶ معنادر | ۰/۳۷۶ معنادر | ۰/۳۷۶ معنادر |
| مشارکت در نظام خط مشی | ۰/۳۸۰ معنادر | ۰/۶۰۴ معنادر | ۰/۴۸۰ معنادر | ۰/۴۸۰ معنادر | ۰/۴۸۰ معنادر | ۰/۴۸۰ معنادر |
| تغییر در انتظارات | ۰/۶۳۳ معنادر | ۰/۶۳۱ معنادر | ۰/۶۳۳ معنادر | ۰/۶۳۳ معنادر | ۰/۶۳۳ معنادر | ۰/۶۳۳ معنادر |
| بهبود کیفیت خط مشی گذاری | ۰/۷۵۱ معنادر | ۰/۷۵۱ معنادر | ۰/۷۵۱ معنادر | ۰/۷۵۱ معنادر | ۰/۷۵۱ معنادر | ۰/۷۵۱ معنادر |
| بهبود کیفیت پژوهش های علمی | | | | | | |

همانطور که ملاحظه می‌گردد وجود انجمن‌های علمی با ارتقاء دانش و اطلاعات رابطه مثبت و معناداری دارد، اما در حال حاضر و با توجه به اطلاعات به دست آمده، انجمن‌های علمی در ایران با میزان مشارکت جامعه علمی در بهبود کیفیت سیاستگذاری رابطه غیر معناداری داشته و با تغییر در انتظارات و مطالبات جامعه علمی به رابطه مثبت دارد و طبیعی است ارتقاء دانش با مشارکت جامعه علمی در نظام سیاستگذاری، که منجر به بهبود کیفیت سیاستگذاری علمی می‌گردد رابطه‌ای مثبت و معناداری دارد.

با توجه به اعداد معناداری به دست آمده نتیجه می‌شود که انجمن‌های علمی بر روی ارتقاء دانش و اطلاعات، انتظارات و مطالبات جامعه و نهایتاً بر بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های علمی و افزایش فرهنگ پژوهش اثر داشته، اما مدل ارائه شده از لحاظ شاخص‌های برآزش در وضعیت چندان مناسبی قرار ندارد. نهایتاً، بر مبنای نتایج به دست آمده تعامل میان دو متغیر، انجمن‌های علمی و سیاستگذاران دولتی، جهت تصمیم‌گیری‌های علمی، به صورت مستقیم، اما در کم‌ترین میزان خود قرار دارد. در مقابل، بیشترین رابطه و همبستگی در بهترین وضعیت در عامل "ایجاد اندیشه‌های علمی توسط انجمن‌های علمی" مشاهده می‌گردد. همانطوریکه ملاحظه می‌گردد وجود انجمن‌های علمی با ارتقاء دانش و اطلاعات رابطه مثبت و معناداری دارد، اما در حال حاضر و با توجه به اطلاعات به دست آمده، انجمن‌های علمی در ایران با میزان مشارکت جامعه علمی در بهبود کیفیت سیاستگذاری رابطه غیر معناداری داشته و با تغییر در انتظارات و مطالبات جامعه علمی به رابطه مثبت دارد و طبیعی است ارتقاء دانش با مشارکت جامعه علمی در نظام سیاستگذاری، که منجر به بهبود کیفیت سیاستگذاری علمی می‌گردد رابطه‌ای مثبت و معناداری دارد.

با توجه به اعداد معناداری به دست آمده نتیجه می‌شود که انجمن‌های علمی بر روی ارتقاء دانش و اطلاعات، انتظارات و مطالبات جامعه و نهایتاً بر بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های علمی و افزایش فرهنگ پژوهش اثر داشته، اما مدل ارائه شده از لحاظ شاخص‌های برآزش در وضعیت چندان مناسبی قرار ندارد. نهایتاً، بر مبنای نتایج به دست آمده تعامل میان دو متغیر، انجمن‌های علمی و سیاستگذاران دولتی، جهت تصمیم‌گیری‌های علمی، به صورت مستقیم، اما در کم‌ترین میزان خود قرار دارد. در مقابل، بیشترین رابطه و همبستگی در بهترین وضعیت در عامل "ایجاد اندیشه‌های علمی توسط انجمن‌های علمی" مشاهده می‌گردد.

در تحقیق حاضر، در کنار یافته‌های حاصل از پاسخ‌های ارائه شده در پرسشنامه‌ها، اطلاعاتی نیز از طریق برگزاری مصاحبه‌های حضوری کسب گردید که بسیاری از چالش‌ها و ابهامات این تحقیق را تا حد بسیار زیادی روشن نموده. اطلاعات حاصل از مصاحبه با گروهی از صاحب‌نظران را به کمک روش تحلیل "تم"، وبا کد گذاری مورد بررسی قرار داده، و بر اساس موضوع (سوالات طرح شده برای مصاحبه) در دسته‌های مفهومی معنا داری ابتدا طبقه بندی، و سپس مفاهیم مشترک به صورت یک مقوله کد گذاری گردید تا با یکی از شاخص‌های مرتبط با متغیرهای تحقیق مطابقت داده شود. برای انجام مصاحبه و کسب اطلاعات تکمیلی و توصیفی ۶ سوال باز از سیاستگذاران و صاحب‌نظران، اعضای هیات مدیره‌های انجمن‌های علمی که در ارتباط با تصمیم‌گیری‌های علمی دولت قرار گرفته بودند، مشاوران عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، محققین امور پژوهشی مجلس شورای اسلامی، تعدادی از معاونت پژوهشی وزارت علوم، که به جهت مشارکت در سیاستگذاری‌های دولت، اطلاعات مناسبی از سیاستگذاری‌های علمی و فرایند سیاستگذاری در اختیار داشتند، پرسیده شد. علاوه بر این گروه‌ها در این مصاحبه از وکلای مجلس شورای اسلامی و وزرای دولت نهم و دهم نیز، که خود راسا در سیاستگذاری‌های دولت حضور مستقیم داشتند پرسشهایی به عمل آمد. سوالات مصاحبه:

- خودتان را معرفی کرده و میزان آشنایی و ارتباط خود را با انجمن‌های علمی و سیاستگذاران تشریح بفرمایید.
- از دیدگاه شما، به عنوان یک صاحب‌نظر، یک تشکل علمی باید دارای چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا مرکزی برای تجمیع اطلاعات علمی به حساب آید؟
- تا کنون از شما به عنوان یک فرد علمی، در رابطه با برنامه ریزی‌های مربوط به پروژه‌های عمرانی و یا تصمیم‌گیری‌های علمی جهت ارائه خدمات اجتماعی، دعوت به عمل آمده است؟
- از نظرات و مشارکت شما، در کدام عملیات عمرانی، و یا طرح علمی، و تاچه اندازه استفاده شده است؟
- نتایج حاصل از بکارگیری نظرات شما در تصمیم‌گیری‌های علمی، و یا طرح‌های عمرانی دارای چه پیامدهایی بوده، چگونه ارزیابی شده، و اثرات این همکاری چه بازتابی در سیاست‌های دولت به جا گذاشته است؟

- در صورتی که سیاستگذاران نخواهند ویا (به جهت عدم آشنایی با انجمن‌های علمی) نتوانند از همکاری و مشارکت جامعه علمی در تصمیم‌گیری‌های علمی بهره گیرند، به نظر شما، کدام نهاد غیر دانشگاهی علمی می‌تواند به عنوان بازیگر سوم، در کنار سیاستگذاران به تدوین سیاستگذاری‌های علمی دولت را یاری نماید؟
 - اولین سوال مصاحبه، معرفی افراد و میزان آشنایی آنان با انجمن‌های علمی، و دومین سوال در رابطه با دیدگاه آنان در رابطه با خصوصیات یک تشکل علمی جهت تجمیع اطلاعات علمی بود. تعدادی از پاسخ‌های به دست آمده از سوال دوم، به طور خلاصه عبارتند از :
 - مطلوب ترین شکل گیری علم، علم خودجوش است و بنابراین تشکلی علمی تر و وجود آن برای جامعه مفید تر است که برای عالم قیدی ایجاد نکند و داوطلبانه باشد، به این ترتیب یک انجمن علمی آکادمیک که بتواند علم را از بالقوه به بالفعل در آورد، بهترین مرجع علمی جامعه به حساب می‌آید.
 - تشکلی که قادر باشد علم را از لاک خود خارج کند و انسداد در علم را از بین ببرد، هر روزه تاثیر مثبت تری بر نهادهای اجتماعی داشته باشد، تشکلی که یک شبکه علمی باشد .
 - تشکلی که قادر باشد خلایه‌هایی که بعد از دانشگاه را پر کند و متعاقب آن به پالایش و بهبود فراگیری‌های دوران تحصیلات دانشگاهی بپردازد، این منابع باید از طریق انجمن‌هایی، که اولاً کانون اندیشه و تفکر باشد و ثانیاً مورد بسط و بحث قرار گیرد، تامین می‌گردد.
- با توجه به پاسخ‌های ارائه شده و تبدیل آنها به مفاهیم قابل تحلیل، جدول تحلیل تم زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۲ - تحلیل تم (دومین سوال مصاحبه)

| موضوع | مفاهیم | مقوله |
|---------------------------------|---|--|
| شناسایی ویژگی‌های تشکل‌های علمی | <ul style="list-style-type: none"> - جایگاهی باشد که در آن علم از بالقوه به بالفعل تبدیل گردد - پایگاه تعامل و گفتمان دانش پژوهان باشد. - بازآموزی دانش و اطلاعات کند. - خلایه‌های بعد از دانشگاه را پر کند. - علم را از محیط بسته به محیط باز بیاورد. - انسداد علم را باز کند - علم را کاربردی کند. | <ul style="list-style-type: none"> تشکلی که داوطلبانه به توسعه و بازآموزی علم بپردازد |

خصوصیت مقوله به دست آمده از مفاهیم فوق طبق نظریه بن دیوید شبیه به انجمن‌های حرفه ای آکادمیک است که داوطلبانه از سوی دانشمندان و گروه‌های علمی بوجود آمده و جهت توسعه و اشاعه علم در جامعه تشکیل می گردد .

سوال ۳- سومین سوال در رابطه با ایجاد شرایط همکاری و دعوت از جامعه علمی و صاحب‌نظران آکادمیک در تصمیم‌گیری‌های علمی بوده است . برخی از نظرات ارائه شده عبارتست از:

- در دهه ۶۰ برای سازمان برنامه و بودجه، در دهه ۷۰ برای وزارت نیرو و وزارت مسکن و صنایع سنگین و در دهه ۸۰ در پروژه‌های بهینه سازی منابع انسانی در صنعت فولاد و پتروشیمی دعوت به همکاری شده ام .
- عضو کمیته مشورتی بودجه، مدیریت خدمات کشوری، عضو هیئت نظارت بر خط‌مشی‌های اصل ۴۴، مشاور امور فرهنگی در مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده ام
- در کلیه سیاست‌های مربوط به سند چشم انداز ۲۰ ساله توسعه کشور، سند تحول راهبردی فناوری ملی، طرح نقش جامع علمی وزارت علوم، طرح‌های کنترل و مهار انرژی آب و برق جهت همکاری دعوت شده ام .
- در طرح توسعه فضای آموزشی و تشکیل کانون تفکر و پارک‌های اندیشه مشارکت داشته ام.

پرسش سوم کانالی بود تا مسیر پژوهشگر را جهت رسیدن به سوال اصلی و یافتن ارتباط میان تعامل و مشارکت جامعه علمی (انجمن‌های علمی) با سیاستگذاران را هموار نماید، و پاسخ‌های دریافتی "حضور" و ارائه مشاوره و همکاری گروه صاحب‌نظران و جامعه علمی را در تصمیم‌گیری‌های علمی دولت نشان می داد.

مقوله احصاء شده از مفاهیم به دست آمده با نظریه مرتون، در رابطه با نهادی شدن علم همسویی دارد . مرتون معتقد است : نهادی شدن علم هم به جنبه‌های هنجاری علم، که امر نظارت اجتماعی را در علم مقدور می سازد، و هم به ساختار کنش متقابل علم با سایر نهادهای اجتماعی، مربوط می گردد که در این تعامل اجتماعی، نقش دانشمندان بسیار چشمگیر بوده و اساس نهادی شدن علم در جامعه به عهده تعاملات آن‌ها با هم است، بنابراین هر چه تعداد نهادهای اجتماعی علمی و انجمن‌های علمی، بیشتر باشد، نیاز به تصمیم‌گیری‌های علمی و نهادی شدن علم در جامعه ضروری تر است .

جدول ۳ - تحلیل تم (سوال سوم مصاحبه)

| موضوع | مفاهیم | مقوله |
|---|---|---|
| نهادهای و شرایط مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها | وزارت نیرو - پتروشیمی - صنعت فولاد کمیته مشورتی بودجه - مجمع تشخیص مصلحت نظام برنامه ریزی و تدوین بهینه‌سازی ساختار دانشگاه کمیسیون عمران کشور - امور فنی - مهندسی مجمع تشخیص مصلحت نظام هیئت فرهنگ و باز اندیشی اخلاق اداری - انتخابات در دانشگاه توسعه فضای آموزشی در جامعه - تشکیل کانون تفکر علمی نظارت بر خطمشی‌های اصل ۴۴ قانون اساسی - مدیریت خدمات کشوری طرح سند تحول راهبردی فناوری ملی طرح‌های کنترل و مهار انرژی آب و برق | نظارت اجتماعی بر اجرای عملیات و طرح‌های عمرانی و علمی |

سوال چهارم: تا چه میزان از نظرات شما در تصمیم‌گیری‌های علمی، طرح‌های عمرانی و خدمات اجتماعی، استفاده شده است

نظرات تعدادی از مصاحبه‌کنندگان به اختصار در زیر اشاره می‌گردد:

- در بودجه و برنامه‌های کلان عملیاتی نظر زیاد داده ام اما بسیار کم استفاده شده است، در جاهایی که سازو کارها علمی بودند چندان استفاده نشده است.
- در سیاستگذاری‌های سند تحول راهبردی فناوری ملی و چشم انداز ۲۰ ساله از ایده‌هایم استفاده شده است اما هیچ کدام از این نظرات را با متخصصین مشاوره نداشته ام.
- در حوزه حمل و نقل ریلی در منطقه و فراتر از منطقه، کارکردهای خوبی داریم، این مستلزم حمایت دولت است، در حال حاضر اگر وزارت امور خارجه از طریق سفارتخانه‌ها، انجمن‌های علمی داخلی را با انجمن‌های خارجی لینک کند، بسیاری از امکانات را برای صدور خدمات فنی و مهندسی می‌توانیم صادر کنیم.
- ابعاد درآمدی ما از صدور خدمات فنی مهندسی و ارائه طرح‌های علمی، برای پروژه‌های عمرانی نزدیک به صدور نفتمان است و ما به جهت عدم شناخت دولت از انجمن‌ها و ظرفیت علمی آنان نتوانستیم از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم.

با توجه به پاسخ‌های به دست آمده از پرسش چهارم جدول تحلیل تم زیر ترسیم شده است

جدول ۴ - تحلیل تم (سوال چهارم مصاحبه)

| موضوع | مفهوم | مقوله |
|--|--|--|
| میزان بهره‌گیری از نظرات جامعه علمی در تصمیم‌گیری‌های علمی | در لایحه بودجه، نظر فراوان داده شده اما استفاده چندانی از آن نشده است در سند تحول راهبردی فناوری ملی نظرات علمی آرائه شده است، اما بدون مشاوره از جامعه علمی دولت از انجمن‌های علمی شناختی ندارد اقدام به حذف واحد تحقیق و توسعه، به جهت اعتراض به جامعیت بودجه دولت به صورت سلیقه‌ای عمل می‌کند عدم حمایت دولت از ارتباط با انجمن‌های بین‌المللی عدم همکاری دولت در شرایطی که سازوکارها علمی است. | عدم شناخت و تعامل دولت با نهادهای علمی جامعه |

در تحلیل مقوله‌های احصا شده از نظرات مصاحبه‌شوندگان، با تأکید بر نظریه‌ها بر ماس، برای اینکه علم بتواند توسعه پیدا کند، لازم است در یک میدان خنثی که مورد تعارض نهادهای سیاسی و اعتقادی قرار نگیرد، واقع شده، به جامعه علمی استقلال نسبی داده شود تا در خدمت مردم قرار گیرند.

سوال پنجم مصاحبه: نتیجه حاصل از بکارگیری نظرات علمی شما، در تصمیم‌گیری‌های دولت و یا اجرای پروژه‌های عمرانی دارای چه پیامدهایی بوده است:

خلاصه این پاسخ‌ها به صورت اختصار در زیر آمده است،

- نتیجه همکاری و ارائه نظرات محققین انجمن علمی مهندسی ارزش، در ایران خودرو ۲۰ میلیارد صرفه جویی ارزی و در فولاد مبارکه ۲۲ میلیارد بوده است، علاقه و قابلیت در

جامعه علمی وجود دارد اما حمایت و انگیزه برای همکاری با آنها باید از سوی دولت ارائه گردد.

- تا زمانی که دانش بر سیستم حاکم نشود و دانش در مدیریت فقط مخصوص دانشگاه باشد، ارائه نظرات علمی و اجرای آنها در بایگانی‌ها خاک می‌خورد، انتخاب روسای دانشگاهها و دانشکده‌ها به صورت مشاوره و انتخابی، بر اساس ادله معتبر و مستند تنظیم و تصویب شده بود اما پس از مدتی دوباره قانون انتخابی بودن روسای دانشکده‌ها و بعضا دانشگاه‌ها تبدیل به انتصاب گردید.

جمع بندی و خلاصه پاسخ‌های صاحب‌نظران و جامعه علمی در جدول زیر ارائه گردیده است .

جدول ۴ - تحلیل تم (سوال پنجم مصاحبه)

| موضوع | مفهوم | مقوله |
|---|--|--|
| نتیجه همکاری‌های علمی و میزان تغییر در کیفیت تصمیم‌گیری علمی دولت | صرفه جویی ارزی به مقدار قابل توجه احترام به حقوق جمعی و خرد عمومی واقع نگری و آشنایی با امکانات امکان صدور خدمات به خارج ایجاد حس اعتماد و وفاداری خارج نمودن مباحث دانشگاهی و کاربردی نمودن دانش در سیاست‌های کلان کم رنگ بودن مشاوره‌های علوم انسانی و به ویژه مدیریت تاثیرانجمن‌های علمی فنی - مهندسی و دانش فنی در صنعت | مشارکت جامعه علمی، باعث حس اعتماد در جامعه مدنی می‌شود |

شیلز مانند سایر نظریه پردازان مدیریت دولتی که به نقش و تاثیرگذاری تصمیم‌های علمی تاکید فراوان دارد، معتقد است، هنگامی فعالیت فکری متفکران، به مراحل تکامل یافته تری می‌رسد که سایر نهادها هم آن را بپذیرند و مورد قبول و اعتماد جامعه قرار گیرد، در این صورت، از ان حمایت کرده و و از نتایج و یافته‌های آن نهادها در زمینه‌های مختلف

اجتماعی با اطمینان استفاده خواهند کرد. در جدول ارائه شده فوق به چهار مفهوم اساسی برخورد می‌کنیم، اولاً نقش انجمن‌های علمی که در حوزه فنی - مهندسی فعالیت دارند و به مراتب از نقش سایر انجمن‌ها به ویژه انجمن‌های علوم انسانی و به خصوص انجمن‌های مدیریتی بسیار پر رنگ تر است، با توجه به نیاز چشمگیری که جوامع در حال توسعه به سازماندهی منابع و تصمیم‌گیری‌های ریسک پذیر دارند، وجود گروه‌های علمی مدیریتی تا حد زیادی می‌توانند بر شرایط عدم اطمینان در محیط و میزان کاهش احتمالات، موثر باشند. (با بکارگیری روش‌های علمی مانند، ترسیم درخت تصمیم‌گیری و یا محاسبه احتمالات). اما به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده همکاری و استفاده از انجمن‌های علمی حوزه فنی - مهندسی، رقابت دولت با بخش خصوصی و همسو شدن با دانش و صنعت جهانی است ضمناً ملاحظه می‌شود که، در هر تصمیم‌گیری‌ای که جامعه علمی در آن حضور داشته و یا حتی نظری اعمال شده است، احترام به حقوق و خرد جمعی به وضوح دیده می‌شود (انتخاب روسا در دانشگاهها). و نهایتاً، کلیه تصمیم‌گیری‌های علمی با متغیرهای کمی، مثل صرفه جویی‌های ارزی و اقتصادی و متغیرهای کیفی مانند ایجاد حس اعتماد عمومی و تعهدات اجتماعی، مسولیت‌پذیری سازمانی و اعتبار، همراه است و در نتیجه از ماندگاری بیشتری برخوردار بوده و از دوباره کاری‌ها یی که منجر به هز رفتن منابع و نیروهای اجتماعی می‌گردد، جلوگیری می‌شود. اما آنچه باعث نگرانی است آنست که در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های علمی خلا یک کار تیمی و فرهنگ مشارکت دیده می‌شود و در نتیجه بسیاری از برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها قائم به فرد بوده و هم افزایی در حداقل آستان خود می‌باشد.

سوال ۶- در صورت عدم مشارکت انجمن‌های علمی با سیاستگذاران در تصمیم‌گیری‌های علمی، کدام نهاد غیر دانشگاهی می‌تواند به عنوان بازیگر سوم در کنار دولت قرار گرفته و به خط مشی علمی کمک کند

پاسخ‌های کسب شده از سوال ۶ به دلیل اهمیت خاصی که نقش انجمن‌های علمی را شاخص نموده و تاثیر آن‌ها را بر سیاستگذاری علمی به روشنی نشان می‌دهد، بصورت مبسوط ارائه می‌گردد.

- یک انجمن علمی ترکیبی از شیفتگان دانش در عرصه صنعت، علم، و دولت است، سطح مشترک تلاقی تئوری پردازان و مجریان عملیات علمی و عمرانی در انجمن‌های علمی تشکیل می‌شود. نقش و رسالت یک انجمن علمی در توسعه محور بودن آن

است بنا براین از نظر من چنانچه یک انجمن علمی به شرط آن که در حوزه و محیطه اهداف خود به اشاعه دانش و کسب اطلاعات، روز بپردازد، هیچ نهادی را نمی‌توان جانشین آن کرد.

- انجمن‌های علمی با هدف ایجاد تعالی فکری شکل گرفته اند زیرا، دانشگاهها فرصت کافی و منبع لازم برای پژوهش‌های اجتماعی ندارند و به قولی "نخته‌ها برای اظهار نظر کردن محدود و کوچک اند" و غالباً تعصب جای بی طرفی را میگیرد، تعامل میان انجمن‌های علمی و دولت باید گسترش یابد، جامعه خود شیفته ای که از تمامی بضاعت خود استفاده نکند از اجتماع دور میشود. در ایالت کیک و در دانشگاه مک گیل انجمن‌های علمی هر دوشنبه نشست‌هایی دارند که در آن به تعامل با یکدیگر پرداخته و از مدیران ارشد دولتی و غیر دولتی دعوت به عمل می‌آید، تا عنوان پل ارتباطی دولت، صنعت و علم به حل مسایل بپردازند..
- تفکرات علمی را می‌توان از طریق رسانه‌ها و یا از طریق احزاب و گروههای اجتماعی در جامعه مدنی، و پژوهشگران، توسعه و اشاعه داد، اما آنچه مهم است نقش و طیف این حرکت‌هاست، برای توسعه و تصمیم‌گیری‌های علمی باید اسلایدهای فکری را به فیلم‌های جاری تبدیل کنیم، هرگاه بتوانیم نطق‌ها را به "نت"ها تبدیل کنیم به نقش انجمن‌های علمی و در صورت تعامل جامعه علمی با سیاستگذاران به تغییر و بهبود کیفیت سیاستگذاری علمی نیز دست پیدا خواهیم کرد.
- در شرایطی که فقط از کشورهای دیگر الگو برداری می‌کنیم و برای دانشگاهها و انجمن‌های علمی خودمان حتی در مجلس جایی نداریم، یعنی ارزش‌ها نهادینه نباشند، فقط نقش بازی کرده‌ایم ارزشگذاری نکرده ایم، مشارکت باید در عمل باشد، نه در کلام، مشارکت زمانی موثر است که شکل عینی به خود گرفته و آن وقت جایگاه علم و انجمن‌های علمی خودو تاثیراتش را نشان می‌دهد.
- دولت و سیاستگذاران باید توان داشته باشند در حوزه‌های علمی وارد شوند و در حوزه مدیریت اعمال نظر مدیریتی کنند، بخش دولتی از نظر مدیریتی به لحاظ بافت دولتی بودنش از شرایط علمی شدن و تصمیم‌گیری‌های علمی در کشور عقب می‌ماند، ما در بودجه سالانه پیش بینی می‌کنیم که از رشد ۸ درصدی ۲/۵ در صد عوامل، بهبود بهره‌وری داشته باشد یعنی چیزی در حدود ۳۰ درصد از بودجه کشور بایستی از محل بهبود عوامل، تولید گردد، یکی از راهکارها ی اصلی آن است که انجمن‌های علمی وارد

داستان شوند و دولت نیز حمایت کند. به عبارتی بخشی از قدرت جامعه به خود جامعه برگردد دولت باید دوباره اندیشی و باز مهندسی در تصمیم‌گیری‌های علمی را با کمک انجمنها انجام دهد. توجه به نهادها احساس امنیت را افزایش می‌دهد.

• نگاهی به هند و مالزی بیاندازید، آنچنان از این سازمان‌های مردم نهاد استفاده کرده اند که ساختار دولت از سازمان‌ها قابل تفکیک نیست. در حال حاضر مجلس فراکسیون سازمان‌های مردم نهاد دارد، من ادعا دارم که انجمن‌های علمی از توان و پتانسیل بالایی برخوردار است: ما می‌توانیم اعتبار سنجی سطوح دانشگاهی و ظرفیت مراکز علمی به عهده بگیریم، انجمن علمی، می‌تواند با انتقال اطلاعات خود به دولت کمک موثری به حل مشکلات جامعه علمی نماید.

پاسخ‌های صاحب‌نظران، در جدول تحلیل "تم" به صورت زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۵ - تحلیل تم (سوال ششم مصاحبه)

| موضوع | مفهوم | مقوله |
|--|--|--|
| شناسایی ویژگی‌های مراکز علمی در تصمیم‌گیری‌های علمی دولت | مرکزی که سطح مشترک میان علم، صنعت و دولت باشد. مرکز تعامل دولت و نخبگان علمی باشد تعصب و سوگیری نداشته باشد پل ارتباطی مدیران و سیاستگذاران باشد بی طرفانه به گزارش‌های علمی و راه حل‌های عملی در شرایط خاص بپردازد. مرکزی که در آن اسلایدهای فکری به جریانات علمی تبدیل گردد امکان مشارکت بدون نگرانی از ارزیابی‌های اداری فراهم باشد. از توان و پتانسیل علمی اعضا بدون محدودیت استفاده گردد. مرکزی که در آن نیازهای علمی جامعه از طریق نهادهای جامعه رفع گردد. | مرکزی که: مردم نهاد، علمی، بیطرف، مشارکتی، و تعاملی باشد: انجمن‌های علمی مردم نهاد |

گارفیلد نقش انجمن‌های علمی را به مثابه دانشگاه‌های نامرئی می‌بیند که در آن، پژوهندگان علم، به تبادل نظر پرداخته و جامعه را به قلمروی علمی بدل می‌نمایند، درچنین حیطه‌ای، تمامی تصمیمات، مورد رضایت خاطر جامعه مدنی واقع می‌شود. با توجه به پاسخ‌های ارائه شده، به مقوله ویژگی‌های نهادهایی برمی‌خوریم که با توجه به شاخص‌ها و ویژگی‌های انجمن‌های علمی می‌توان آن‌ها را برهم تا حدودی منطبق دانست. به عبارتی نتایج تولیدات انجمن‌های علمی بهترین گزینه برای تصمیم‌گیری علمی است (Knox & Gruar, 2011).

نتیجه‌گیری

مهمترین هدف این تحقیق یافتن مدلی است که نشان دهد میزان همکاری‌های علمی و مشارکت انجمن‌های علمی بر سیاست‌گذاریهای دولت تا چه اندازه بر بهبود نظام سیاست‌گذاری موثر بوده و نقش این سازمانها در بهبود شرایط اجتماعی در کنار دولتها چه اندازه است. این انجمن‌ها به عنوان رکن اساسی توسعه، می‌توانند در کنار بخش خصوصی و دولت مسیر رسیدن به دموکراسی را از طریق توسعه علمی هموار نمایند. بنابراین اگر جامعه ای با هدف توسعه و ایجاد تحولات اجتماعی اقدام به سیاست‌گذاری نماید، باید در کنار سیاست‌گذاران، از گروه ویا نهادهایی بهره گیرد که مورد اعتماد، آگاه به اصول علمی و تعهدات اجتماعی، و در نهایت مورد پذیرش جامعه باشند، ضمن آن که، از آنجا که یکی از عوامل تاثیر گذار بر موفقیت هر جامعه، احساس آمادگی برای تغییر در آن جامعه است، اولین گام، آماده ساختن مجریان برای تغییر محیط می‌باشد و لذا ضرورت تعامل میان یک سازمان مردم نهاد علمی با سیاست‌گذاران، جهت تصمیم‌گیری‌های علمی قابل تعمق، و نقش برجسته جامعه علمی قابل بررسی است. بر مبنای نتایج به دست آمده از پاسخ‌های پرسشنامه‌ها، در یک جمع بندی کلی، تعامل میان دو متغیر، انجمن‌های علمی و سیاست‌گذاران دولتی، جهت تصمیم‌گیری‌های علمی، به صورت مستقیم، اما در کمترین میزان خود قرار داشت. اما در مقابل، بیشترین رابطه و همبستگی در بهترین وضعیت در عامل "ایجاد اندیشه‌های علمی توسط انجمن‌های علمی" مشاهده شده است. ضمن آن که متغیر ارتقاء دانش و تغییر در نوع مطالبات جامعه علمی نیز بر تصمیم‌گیری‌های دولت تاثیر مثبت و مستقیم داشته است. نتایج احصا شده از مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهند که سازمان‌های علمی مردم نهاد در کنار دولت، به عنوان یک رابط، میتوانند در تصمیم‌گیری‌های کلان اثر گذاشته و ایفاء نقش کنند.

این سازمان‌ها در قالب انجمن‌های علمی، به عنوان یکی از شاخص‌ترین نهادهای علمی هر جامعه، از الزامات توسعه در شبکه‌های تصمیم‌گیری به حساب می‌آیند. نقش مشارکتی این انجمن‌ها در بسیاری از کشورها و در بسیاری از امور مربوط به خدمات عمومی و کمک به دولت، جهت اجرای وظایف مربوطه، به اندازه‌ای پر رنگ است که برخی از صاحب‌نظران حضور سازمان‌های مردم‌نهاد را پیش‌زمینه جامعه مدنی و نشانه رشد و توسعه یافتگی دانسته و در (هند - آمریکا - فرانسه - و آلمان) انجمن‌های علمی در کنار دولت و در عرصه تصمیم‌گیری‌های علمی، بازوی اجرائی و فکری دولت به حساب آمده و بیانگر بلوغ اجتماعی سیاست‌گذاران و نهادهای دولتی، و پیش‌درآمد توسعه ملی می‌باشد و در تحلیل‌هایی از یافته‌های تحقیق نشان دهنده دو عامل چشمگیر است. عامل اول "اعتماد به خرد جمعی" که از دیدگاه دانشمندان مدیریت دولتی همان پذیرش یک عملکرد علمی از سوی جامعه کلان است، به عبارتی، هنگامی که خطاهای تصمیم‌گیری، با حضور نیروهای علمی و گروه‌های دانشی به حداقل برسد و تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها، کم‌رنگ‌گردد، میزان اعتماد جامعه مدنی به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان افزایش خواهد یافت و عامل دوم "توسعه و دموکراسی" است، این مفهوم با حضور بازیگران سوم در تصمیم‌گیری‌های عمومی در کنار دولت، که به بهبود کیفیت خط مشی منجر شده و کاهش هزینه‌های عمومی را به همراه خواهد داشت راه، نشان می‌دهد

منابع

- آگبرن و نیمکف. (۱۳۵۲). *زمینه جامعه‌شناسی* (چاپ دوم). ترجمه و اقتباس: آریانپور، امیر حسین. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- الوانی، سیدمهدی و دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۰). *گفتارهایی در تئوری‌های سازمان‌های دولتی*. تهران: انتشارات صفار.
- مقیم، سید محمد. (۱۳۸۴). *کارآفرینی در سازمان‌های دولتی*. تهران: نشر فراز پیش.
- منصوران، عباس. (۱۳۸۵). *سازمان‌های غیردولتی*. نشریه جنس دوم، شماره ۹، ص ۱۱۱.

- Acevedo, B., & Common, R. (2004). *Government of networks in the public sector: Ule drugs policy*. University of Hull.
- Carpenter, D. et al. (2003). *A model of contact making in policy networks with evidence from U.S. health politics*.

- David, J.B.(1984). *The scientist role in society*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Dris-Ait-Hamadouche, L. (2007). Middle East Policy. *Washington, 14*, 63-89.
- Edwards, N. P. (2004). *Civilsociety and democracy*. Conference U.K.
- Jordan, L., & van Tuijl, P. (2000). Political responsibility in transnational NGO advocacy. *World development Pergamon, 28*(12).
- Kaviraj. (2001). *Political power incivilsoiety*. Paris: Harmatlan
- Kickert, W. E. H., & Koppenjan, F. M. (1997). *Managing complex networks*. London: Sage.
- Klein, S. (2006). *Emergence of networks and organizational theory*. USDA and Dake University's Nicholas School of Environment.
- Knox, S., & Gruar, C. (2011). The application of stakeholder theory to relationship markwting strategy development in a non-profit organization. *Journal of Business Ethics. Dordecht, 75*.
- Kuppusamy, B. (2007). Global information network. *New York: Dec 31*.
- Marsh, D., & Smith, M. (2000). Understanting policy networks. *Political Studies, 48*(1), 4-21.
- Mcgregor, S. (2004). Modelling the evolution of policy network . *Science Research Journal, 32*(4),382-407.
- Poulymenakou, A. (2004). *Using a network management agenda*. Athens University, Business Department.
- Powell, W. W.(2003). Myths and realities. *Journal of Advanced Mung, 414*, 376-382.
- Wagenaar, H. (2003). *Democray and prostitution*. Conference on democratic network governance.